

نگارش ۳

آغاز آفرینش . جلسه ۱۷

خانم سلطنت قوامی . ۱۲ مرداد ۱۴۰۰

- ۱- چهار زانو در یک محیط باز و خاکی نشستهاید.
- ۲- تا کیلومترها هیچ به جز شما وجود ندارد.
- ۳- باد می‌وزد، اینجا همیشه باد می‌وزد، بادی آرام.
- ۴- صدای باد در گوش شما می‌پیچد و این بار وزش باد شدیدتر است.
- ۵- احساس می‌کنید ذراتی از شما جدا می‌شود، انگار باد از میان شما رد می‌شود و صدایی را با خود می‌آورد، گوش می‌دهید، جملات و آیاتی است که تکرار می‌شود.
- ۶- (پخش صوت قرآن) «و من آیاته إن خلقکم من تراب ثم إذا أنتم بشر تنتشرون»
- ۷- و از نشانه‌های الهی آن است که شما را از خاکی (پست) آفرید، پس (به صورت) آدمی به هر سوی پراکنده شدید.
- ۸- شما انتخاب کرده‌اید که دوباره آفریده شوید، اکنون آغاز آفرینش شماست.
- ۹- از زمین رویانده می‌شوید، از خاک بیرون می‌آید، خاکی که از متلاشی شدن خودتان، خود قبلیتان خاک شده است.
- ۱۰- در همین سن و هیبت هستید با تجربه زندگانی پیشین خود و یا با هیبتی دیگر.
- ۱۱- می‌خواهید برخیزید.
- ۱۲- نمی‌توانید.
- ۱۳- از شما بندهای زیبایی از نورهایی رنگین به دوردست‌ها کشیده شده است و شما محکم این طناب‌های نورانی را به خود زده‌اید.
- ۱۴- برخی از آن‌ها ضخیم و پرنور و برخی نازک و کم‌فروغ‌اند.
- ۱۵- شما با رهایی از این بندها می‌توانید به دنیا وارد شوید.
- ۱۶- طناب‌ها هر چه پرنورتر هستند مهم‌تر هستند و اگر آن‌ها را انتخاب کنید زودتر رها می‌شوید.
- ۱۹- چند بند مهم و نورانی را رها کردید تا مجوز ورود به زندگی دوباره را پیدا کردید؟